



## تجارب و درس‌های قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن و نیازهای امروز جامعه

## هراس از انقلاب و شکاف عمیق‌تر در صفوف طبقه حاکم

این واقعیت از ذات هر بحران انقلابی بزرگ برمی‌خیزد که با هر پیشرفت جنبش انقلابی و نزدیک‌تر شدن لحظه وقوع انقلاب، ترس و هراس طبقه حاکم را فرامی‌گیرد، شکاف‌ها درونی این طبقه عمیق‌تر می‌شوند و هر فراکسیون آن تلاش می‌کند با اتخاذ روش‌ها و تاکتیک‌های جدید، راهی برای نجات نظم پوسیده و در حال سقوط پیدا کند. اکنون جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران، به درجه‌ای توسعه یافته و پیش رفته است که نه فقط جناح حاکم، بلکه تمام پاسداران نظم سرمایه‌داری و نمایندگان سیاسی ریزودرشت طبقه حاکم را به هراسی مرگبار دچار ساخته است. نظم حاکم زیر ضربات مداوم جنبش که موج‌وار پی‌درپی فرامی‌رسد، از هر سو شکاف برداشته است. هم‌زمان با تلاش اپوزیسیون‌های خارج از کشور در اتحاد با قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری جهان، برای مقابله با انقلاب، از طریق استراتژی فروپاشی کنترل‌شده جمهوری اسلامی، گروه‌هایی از نمایندگان سیاسی بورژوازی در داخل که سال‌ها

در صفحه ۲

## گزارش برگزاری پنجاه و دومین یادمان حماسه آفرینان سیاهکل و بنیانگذاری سازمان

در صفحه ۶

## زلزله‌های ویرانگر از خوی تا ترکیه و سوریه! پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در صفحه ۷

## اطلاعیه در رابطه با پیوستن اتحاد سوسیالیستی کارگری به شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در صفحه ۱۱

## پیام روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

در صفحه ۱۱

بدون تردید تجربیات قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن و انقلاب ۵۷ از اهمیت تاریخی بسیار بالایی برخوردارند. تجاربی که در این مرحله از جنبش انقلابی توده‌های ستمدیده‌ی ایران باید از آن‌ها درس گرفت، چرا که تجارب تاریخی گذشته می‌توانند چراغ راه آینده باشند. چراغی که در مسیر جنبش انقلابی تا پیروزی نهایی انقلاب می‌تواند به توده‌های تحت ستم ایران یاری رساند.

یکی از مهمترین درس‌ها و تجارب بزرگ انقلاب ۵۷، اهمیت اعتصاب عمومی سیاسی در بسیج میلیونی توده‌ها و گذار به مرحله‌ی عالی‌تری از مبارزه یعنی قیام مسلحانه‌ی توده‌ای برای سرنگونی رژیم‌های دیکتاتور همانند حکومت سلطنتی و یا جمهوری اسلامی است.

جامعه ایران از نیمه‌ی دوم سال ۵۶ وارد یک

در صفحه ۳

## یک اقدام بین‌المللی کارگری کم‌نظیر در حمایت از جنبش انقلابی و کارگران ایران

در صفحه ۵



## عفو "ده ها هزار" زندانی، فریب بزرگ جمهوری اسلامی

روز یکشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۴۰۱، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی اعلام کرد، با موافقت علی‌خامنه‌ای "ده ها هزار" زندانی متهم و محکوم، شامل "عفو و بخشش" شده و طی روزهای آینده آزاد می‌شوند. قوه قضائیه ۹ شرط هم برای آزادی و "مختومه شدن" پرونده زندانیان اعتراضات اخیر اعلام کرد، که "عدم مباشرت، مشارکت و معاونت در ارتکاب جرائم مرتبط با "محاربه، افساد فی الارض و بغی" از جمله شروط این پروژه به اصطلاح عفو هستند که شامل متهمان و محکومان منتسب به جرائم فوق نمی‌باشد.

در صفحه ۱۲

## پیام به حزب کمونیست ایران به مناسبت گرامی داشت ۲۶ بهمن، روز کومله

در صفحه ۹

## پیام هسته اقلیت به سازمان فدائیان (اقلیت)

در صفحه ۸

## پیام حزب کمونیست ایران به سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد سیاهکل

در صفحه ۸

## پیام سازمان راه کارگر به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد قیام سیاهکل

در صفحه ۹

## هراس از انقلاب و شکاف عمیق‌تر در صفوف طبقه حاکم

در رأس مهمترین ارگان‌های دستگاه دولتی قرار داشتند، اکنون در نقش اپوزیسیون داخلی به مقابله‌ای علنی‌تر با جناح حاکم برخاسته و با تاکتیک‌های ظاهراً جدید، تلاش‌های دیگری را برای نجات نظامی که در آستانه سرنگونی قرار گرفته، آغاز کرده‌اند.

این تلاش‌ها در هفته گذشته، با صدور بیانیه جدیدی از سوی موسوی نخست‌وزیر پیشین جمهوری اسلامی در ۱۵ بهمن آغاز گردید. وی در این بیانیه نخست تلاش کرد که تمام فجایع و بحران‌هایی را که جمهوری اسلامی به‌عنوان پاسدار نظام سرمایه‌داری در طول ۴۴ سال حاکمیت ننگین و ویرانگرش به بار آورده است، به جناح رقیب و در رأس آن خامنه‌ای به‌عنوان قدرت غیر پاسخگو و مسئولیت‌ناپذیر نسبت دهد. ایشان در این بیانیه چنین وانمود می‌کند که گویا در دورانی که وی نخست‌وزیر شیدایی به نام خمینی بود، یا هم‌فکران وی موسوم به اصلاح‌طلب و مجمع روحانیون در رأس قدرت قرار داشتند، قدرتی پاسخگو و مسئولیت‌پذیر وجود داشته و از "زیایش دلهره‌آور فاصله‌های طبقاتی" خفقان‌گسترده فرهنگی، فقدان آزادی‌ها و سرکوب وحشیانه زنان و مردان و حتی کودکان" و بحران‌های رنگارنگ خبری نبود. از همین روست که ایشان سیزده سال پیش که تمام کارنامه جمهوری اسلامی و اجرای قانون اسلامی رژیم دیکتاتوری عربیان، عبارت بود از کشتار چندین هزار تن از مردم، قتل‌عام هزاران زندانی سیاسی، برچیدن تمام احزاب و سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های مستقل کارگری، سرکوب کارگران، زنان و دانشجویان، در یک‌کلام رژیم ترور و خفقانی که خود وی نقش مهمی در آن بر عهده داشت، خواستار «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» بود. اکنون با بحرانی‌تر شدن اوضاع، اعلام می‌کند: «اجرای بدون تنازل قانون اساسی»، "دیگر کارساز نیست و باید گامی فراتر از آن گذاشت." نخست این‌که رفراندومی برگزار شود" در مورد "تغییر یا تدوین قانون اساسی جدید" بعد هم "تشکیل مجلس مؤسسان." در پی این بیانیه، تعدادی از همفکران وی از جمله برخی از چهره‌های شناخته شده "اصلاح‌طلبی" به‌ویژه آن‌هایی که ظاهراً در زندان به سر می‌برند، از بیانیه وی حمایت کردند. آن‌ها نیز نوشتند: همه تلاش خود را "برای پیشبرد این برنامه و گذار مسالمت‌آمیز و خشونت‌پرهیز به ساختار کاملاً دموکراتیک و ایرانی توسعه‌یافته" به کار خواهند گرفت. "هدف چیست؟ ضرب‌المثلی است که می‌گوید: "چه کلاه به سر، چه سر به کلاه" واقعیت قضیه این است که موسوی ویرانش می‌خواهند همان "اجرای بدون تنازل قانون اساسی" و حفظ جمهوری اسلامی را این بار به شکل دیگر، با شعار و تاکتیک دیگری عملی کنند. این‌که رفراندوم و مجلس مؤسسان از اساس شعار و روش مرسوم فریب بورژوازی صرفاً برای دست‌به‌دست شدن قدرت از این جناح بورژوازی به دست جناح دیگر است به‌جای خود،

اما ایشان می‌خواهند درحالی‌که نه‌فقط جناح رقیب قدرت را در دست دارد، بلکه دولت استبدادی جمهوری اسلامی با تمام نهادها و ارگان‌هایش دست‌نخورده باقی هستند، رفراندومی برگزار شود و با تشکیل یک مجلس مؤسسان، معضل بحران کنونی جامعه و مطالبات مردم ایران را حل کند. خلاصه کلام، به شکلی مسالمت‌آمیز از اجرای با "تنازل" قانون اساسی به اجرای "بی‌تنازل" آن گذار شود. بنابراین روشن است که آن‌ها صرفاً از ترس انقلاب و سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی شعار گذار "به یک ساختار کاملاً دموکراتیک" را سر می‌دهند. این‌ها نیز تقریباً همان سیاستی را پیش می‌برند که اپوزیسیون‌های بورژوازی خارج از کشور، در پیش‌گرفته‌اند. تفاوت چندانی میان آن‌ها نیست.

هم‌زمان با بیانیه‌های موسوی و طرفداران وی، خاتمی نیز به نمایندگی از فراکسیون دیگری از پاسداران نظم موجود، بیانیه‌ای انتشار داد، که پیرایه‌های رادیکال نمائی امثال موسوی را کنار نهاد و اعلام کرد: راست است که "اصلاح‌طلبی به شیوه و روال تجربه‌شده اگر نگوییم ممتنع شده است دست‌کم به صخره سبتر بن‌بست برخورد کرده است و مردم هم حق دارند از آن مثل خود نظام حاکم نومید شوند." اما باز هم باید دست به دامان قدرت مسلط شد" اگر راه اصلاح‌خواهی و اصلاح‌طلبی به شیوه سابق به بن‌بست رسیده است و اگر اصلاح‌طلبی ظرفیتی بیش از اصلاح‌طلبان به معنای متعارف دارد. که دارد، می‌توان گفت و امیدوار بود که اگر این جزیره‌های جدا از هم به هم بپیوندند و خود را در کنار مردم و آشنا با دردهای مردم و دغدغه دار نسبت به کشور و صلاح آن نشان دهند و بی‌لکنت زبان و با شفافیت و نیز با اتخاذ شیوه‌های مدنی خشونت‌پرهیز صدای خود را به جامعه و حاکمیت برسانند شاید (و البته شاید) حاکمیت را هم وادار به تغییر رویه و پذیرش اصلاح گردانند." ایشان البته این ادعا را نیز چاشنی بحث خود می‌کند که سرنگونی جمهوری اسلامی نه‌فقط ناممکن بلکه فاجعه‌بار است. چراکه به ادعای وی:

"به لحاظ توازن قوا و امکانات و توانی که حکومت دارد، براندازی آن ممکن نیست و شعار براندازی بهانه بیشتر پدید می‌آورد برای ایجاد تنگناها و محدودیت‌های فضای آزاد و افزوده شدن آسیب‌های فراوان بر آسیب‌های پیشین." و بعد هم ترساندن مردم از "جنگ داخلی" و "سرنوشتی بدتر از آنچه در بسیاری از کشورها پیش‌آمده است."

اما وحشت از انقلاب تنها "اصلاح‌طلبان" سابق را فرانگرفته، بلکه شکاف درون جناح موسوم به "اصول‌گرا" را نیز عمیق‌تر کرده تا جایی که آدم به غایت مرتجع‌ی مثل محمدرضا باهنر دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین که سال‌ها متحد جمعیت مولفه اسلامی و نایب‌رئیس مجلس ارتجاع اسلامی بود و حالا عضو مجمع تشخیص مصلحت و سخنگوی غیر رسمی جناح لاریجانی‌ها، اخیراً سیاست داخلی و خارجی

خامنه‌ای و رئیس جمهور دست‌نشانده‌اش رئیسی را مورد حمله قرار داد و او هم به نمایندگی از گروهی "اصول‌گرا" خواستار اصلاح قانون اساسی شد و گفت: "برخی اصول قانون اساسی باید اصلاح بشود." "بعضی از مسئولین فکر می‌کنند زمانی که این اغتشاشات تمام‌شده است مسئله حل‌شده است، در صورتی‌که مسئله هنوز باقی‌مانده است و این آتش زیر خاکستر می‌شود؛ دوباره یک بهانه‌ای به وجود می‌آید، دوباره یک جرعه می‌خورد و دوباره یک عده‌ای شروع به اغتشاش می‌کنند. فوت مهسا امینی دلیل اصلی وقایع اخیر نبود، این تنها یک جرعه بود. برخی نارضایتی‌ها و ناکارآمدی‌هایی در ساخت اقتصاد، سیاست و حتی فرهنگ و دیپلماسی در داخل کشور وجود دارد؛ این اشکالات را ما باید کشف و درک کنیم و آن‌ها را بفهمیم و حل کنیم. باید ببینیم آن نارضایتی‌هایی که در داخل کشور هست، چیست که باعث این حرف‌ها و این اعتراضات شده است. من یادم نمی‌آید که بعد از انقلاب چنین انسجامی علیه ما در نظام بین‌الملل به وجود آمده باشد که رو هم بازی کنند."

عمیق‌تر شدن بحران سیاسی، پیشرفت جنبش انقلابی و انعکاس آن در درون طبقه حاکم، خامنه‌ای را نیز دچار وحشت و هراس کرده است. از همین روست که او هم با تمام قلدری‌اش و حتی حذف گروه‌های رقیب از ارگان‌های قدرت، اخیراً در جریان دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی خواهان حفظ وحدت در میان طرفداران جمهوری اسلامی شد و گفت: "وقتی دشمن، وحدت ملی را آماج حملات خود قرار داده باید با حفظ این اتحاد و وحدت، نگذاریم درخواست پلید خود پیروز شود... اختلاف‌نظر و اختلاف سیاسی به‌طور طبیعی اشکالی ندارد، اما این اختلاف‌ها نباید به زدوخورد و تهمت‌زنی و افترا به یکدیگر منتهی شود و در مقابل راهبرد دشمن، همه باید راهبرد وحدت را اتخاذ کنیم."

تمام موضع‌گیری‌های فراکسیون‌ها و جناح‌های مختلف بورژوازی ایران و نمایندگان سیاسی آن‌ها در هفته گذشته، چیزی نبود، جز بازتاب عمیق‌تر شدن شکاف‌های درونی طبقه حاکم و ترس و وحشت آن‌ها از انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی. این موضع‌گیری‌ها در همان حال نشان داد که آن‌ها هیچ راه‌حلی که قادر به مهار بحران سیاسی عمیق جامعه ایران باشد، ندارند. مبارزات توده‌های مردم ایران بسیار فراتر از آن رفته است که به راه‌حلی در چهارچوب نظم موجود تمکین کنند. نه دارو دسته خامنه‌ای قادر است، به روال گذشته همچنان با سرکوب و کشتار موجودیت‌ننگین جمهوری اسلامی را حفظ کند و نه موعظه‌های عوام‌فریبانه امثال موسوی‌ها و خاتمی‌ها می‌تواند مردم را فریب دهد. امواج نیرومندتر جنبش هنوز در پیش است. این جنبش به چیزی کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی و برچیدن تمام دستگاه دولت استبدادی و استقرار حکومتی شورایی که توده‌های مردم ایران را بر سرنوشت خود حاکم سازد، رضایت نخواهد داد.



## تجارب و درس‌های قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن و نیازهای امروز جامعه

دوران انقلابی شد، این دوران انقلابی از ۱۷ شهریور ۵۷ و با بی‌اعتنایی مردم به حکومت نظامی وارد یک موقعیت انقلابی گردید. اما هنوز اعتصابات آغاز نشده بودند. ۱۸ شهریور ۲۰۰ تن از کارگران پالایشگاه نفت تهران با خواست‌های صنفی دست به اعتصاب زدند. دو روز بعد کارگران پالایشگاه‌های تبریز، اصفهان و آبادان نیز با خواست‌های اقتصادی اعتصاب کردند. از نیمه دوم مهر اعتصابات کارگران نفت و دیگر مراکز کارگری و نیز کارمندان گسترش پیدا کرد و در نیمه اول آبان‌ماه به اوج خود رسید، مدارس و کلاس‌های دانشگاه‌ها نیز تعطیل شدند. ۱۵ آبان کابینه نظامی از هاری با "مشت آهنین" به منظور سرکوب اعتراضات و اعتصابات بر سر کار آمد. با دستگیری گسترده کارگران نفت، اعتصاب نفت برای مدت کوتاهی متوقف شد، اما از آنجا که شرایط انقلابی در جامعه حاکم بود، کارگران با تشکیل کمیته‌های اعتصاب به سازماندهی مجدد اعتصاب پرداخته و از ۲۳ آذر ماه اعتصاب سراسری در پالایشگاه‌ها و میدان‌های نفتی آغاز شد. کارگران که در کمیته‌های اعتصاب متشکل شده بودند، کنترل کارگری را برقرار کردند. این تجربه نشان داد که برای شکل‌گیری اعتصاب عمومی سیاسی، تشکیل کمیته‌های اعتصاب از چه اهمیت بالایی برخوردارند. بویژه با تکیه به این تجربه تاریخی مردم ایران است که سازمان ما همواره بر ضرورت تشکیل کمیته‌های اعتصاب و کمیته‌های هماهنگی اعتصاب برای شکل‌گرفتن اعتصاب عمومی سیاسی تأکید کرده است.

اما یکی دیگر از نتایج اعتصاب عمومی سیاسی این بود که میلیون‌ها نفر را در عمل به میدان مبارزه و خیابان کشاند. از این مرحله است که بویژه ما شاهد حضور میلیونی توده‌ها در خیابان هستیم از جمله راهپیمایی‌های ۲۳ و ۲۹ دی که میلیون‌ها نفر در اعتراضات خیابانی شرکت کردند. در این مرحله انقلاب با شتاب به پیش می‌رفت، از هاری ۱۰ دی‌ماه برکنار شد و از ۱۶ دی کابینه شاپور بختیار کار خود را آغاز نمود. تغییر سریع کابینه‌ها نشان از این داشت که بالایی‌ها دیگر قادر به حکومت به شکل سابق نیستند.

این مرحله‌ای از انقلاب است که توده‌ها با اراده خود ارگان‌های اقتدار توده‌ای را برخلاف میل حاکمیت با تشکیل کمیته‌های اعتصاب، کمیته‌های محلات، و تشکیل شوراهای در کارخانجات و ادارات بوجود آوردند. توده‌ها همچنین آزادی راهپیمایی، اجتماعات و مطبوعات را نیز با اتکاء به مبارزات و در واقع با زور و قدرت خود تحقق بخشیدند. انقلاب آغاز شده بود، تشکلات مستقل توده‌ای مانند کارگران نفت تصمیم می‌گرفتند و تصمیمات خود را اجرا می‌کردند بدون آن که هیات حاکمه بتواند نقشی در آن ایفا کند و از سوی دیگر توده‌ها با مبارزات خود در عمل به برخی از خواست‌هایشان تحقق بخشیدند و هیات حاکمه قدرت مقابله با آزادی‌هایی را که توده‌ها در عمل بدست آورده بودند، نداشت. دو ویژگی مهم و دستاوردهایی که نشان انقلاب را بر خود داشتند.

لنین این شرایط را در رابطه با انقلاب روسیه این‌گونه توصیف می‌کند: "انقلاب به معنای دقیق و صریح کلمه دوره‌ای از زندگی مردم است که خشمشان، خشمی که طی قرن‌ها قساوت آورام‌ها انباشته شده، نه تنها در حرف که در عمل منفجر می‌شود، آن هم نه صرفاً به شکل اعمال فردی بلکه در قالب اعمال میلیون‌ها تن از مردم. خلق بیدار می‌شود و برمی‌خیزد تا خود را از قید آورام‌ها (معادل شکنجه‌گران را برای آن در نظر بگیرد) آزاد سازد. خلق تعداد بی‌شماری از اسپیریونوها (اشاره به یک زن انقلابی روس است که پس از بازداشت مورد وحشیانه‌ترین شکنجه‌های پلیس تزاری قرار گرفت) را که در زندگی مردم روسیه حضور دارند، از چنگ آورام‌ها آزاد می‌سازد، علیه آورام‌ها به اعمال زور پرداخته و اقتدار خود را بر آورام‌ها حاکم می‌گرداند" (ملاحظات بر سابقه مساله دیکتاتوری - لنین).

با شکل‌گیری اعتصاب عمومی سیاسی و وارد شدن میلیون‌ها انسان در عمل به میدان مبارزه، شرایط برای گذار به مرحله‌ی بعدی انقلاب یعنی قیام مسلحانه فراهم گردید. در واقع قیام مسلحانه‌ی ۲۱ و ۲۲ بهمن نقطه اوج این شرایط طوفانی بود.

از ضرورت قیام مسلحانه می‌توان به‌عنوان دومین درس و تجربه تاریخی بزرگ انقلاب ۵۷ یاد کرد. قهر مامای هر جامعه کهنه‌ایست که ابله‌ترین جامعه‌های نوین است و این را توده‌های ستمدیده‌ی ایران به تجربه آموختند. در زمان سلطنت پهلوی هم مانند امروز، کسانی بودند که تغییر رژیم به‌صورت مسالمت‌آمیز را تبلیغ می‌کردند. آن‌ها که "باران می‌خواستند اما سیل آمد".

مساله اما به‌طور واقعی این است که انقلاب نتیجه‌ی تضادهاییست که در درون جامعه وجود دارند. این تضادها در روند تکاملی خود، و بر بستر شرایطی مشخص رشد کرده و در شکل بحران‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را نشان می‌دهند. جامعه ایران نیز در سال ۵۷ در چنین وضعیتی قرار داشت و برای تسبیل این شرایط و حل تضادهایی که ریشه در مناسبات سرمایه‌داری حاکم داشتند، تنها راه واقعی گسست کامل از آن مناسبات و واژگون کردن نظم موجود بود. نظم حاکم باید از اساس دگرگون می‌شد.

بورژوازی ایران و دولت‌های امپریالیست اما از این موضوع به‌شدت نگران بودند و به همین دلیل وقتی که احساس کردند، حفظ سلطنت پهلوی ممکن نیست، به‌فکر یک آلترناتیو مناسب افتادند. براساس اسناد منتشره توسط "ویکی‌لیکس" دولت‌های امپریالیست آمریکا و فرانسه با خمینی ارتباط برقرار کردند و خمینی نیز توسط افرادی که به‌عنوان نماینده معرفی کرده بود به دولت‌های غربی اطمینان داد که دولت تحت رهبری وی به سمت "شرق" خواهد رفت. براساس این اسناد، سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران نیز بر این مساله مهر تأیید زده بود که جریان وابسته به خمینی توانایی مقابله با "کمونیسم" را دارد. یعنی آنچه که در اصل برای دولت‌های امپریالیست

مهم‌ترین مساله بود. هدف از حضور ژنرال هویزر در ایران و مذاکرات وی و سولیوان با فرماندهان ارتش و نمایندگان خمینی برقرار کردن ارتباط بین آن‌ها و فراهم ساختن زمینه برای تغییر رژیم بود.

اما قیام مسلحانه ۲۱ و ۲۲ بهمن خارج از پیش‌بینی آن‌ها رخ داد، قیامی که نتیجه‌ی روند منطقی انقلاب بود. در پیروزی این قیام سازمان ما نیز نقش مهمی داشت. در حالی که در روز ۲۱ بهمن ده‌ها هزار تن از هواداران سازمان در دانشگاه تهران و اطراف آن برای گرمی‌داشتن حماسه سپاهک گرد آمده بودند، رسیدن خبر درگیری همافران و نیروهای "گارد شاهنشاهی" در نیروی هوایی باعث شد تا نیروهای مسلح سازمان به همراه خیل عظیم هواداران به یاری همافران شتافته و موازنه را به نفع همافران تغییر دهند. از این‌جا بود که اسلحه به دست توده‌های مردم افتاد و قیام سراسر تهران را در بر گرفت. بدستور خمینی نیروهای وفادار به او از جمله هادی غفاری سوار بر ماشین با بلندگو در خیابان‌ها می‌چرخیدند و به مردم می‌گفتند: "امام (خمینی) هنوز حکم جهاد نداده است". اما کار از کار گذشته بود، قیام آغاز شده بود و هیچ نیرویی قادر نبود مردم را به خانه برگرداند. با فراگیر شدن قیام بالاخره خمینی برای این که از توده‌های مردم بیشتر از این عقب‌نماند اعلام کرد که "مردم به حکومت نظامی اعتنا نکنند" و البته کسی هم اعتنا نمی‌کرد.

امروز نیز نمایندگان بورژوازی و دولت‌های امپریالیست تلاش دارند تا با روش‌های متفاوت انقلاب پیش‌شارو را مهار کنند و هر روز یک گروه از نمایندگان بورژوازی از طرحی برای فریب مردم پرده‌برداری می‌کنند. از رضا پهلوی و دارودسته‌ی وی که روزی به سپاه دخیل می‌بستند و امروز به ارتش، تا میرحسین موسوی که خواستار برگزاری رفراندوم می‌شود و چقدر مضحک که گروهی از همان قماش فوری اقدام به اطلاعیه دادن و حمایت و تعریف و تمجید از این اقدام موسوی کردند. اما هیچ‌کدام از این شارلاتان‌های سیاسی نگفتند و نوشتند که چگونه در جمهوری اسلامی که همه‌ی مردم این حکومت را به‌خوبی شناخته‌اند، امکان رفراندوم آزادانه وجود خواهد داشت؟! این دلقکان سیاسی تنها هدفشان مهار زدن بر انقلاب است، چرا که آن‌ها بیش از هر چیز از انقلاب می‌ترسند، "آن‌ها باران می‌خواهند نه سیل" و تجربه‌ی انقلاب ۵۷ و مقایسه‌ی شرایط آن زمان با شرایط کنونی به آن‌ها نهیب می‌زند که در صورتی که جمهوری اسلامی با یک قیام مسلحانه توده‌ای سرنگون شود، ممکن است این بار مردم کار را تمام کنند. از این جاست که به سومین درس و تجربه بزرگ تاریخی انقلاب ۵۷ می‌رسیم و آن این‌که "اساسی‌ترین مساله هر انقلاب مساله قدرت سیاسی است". انقلاب ۵۷ یک انقلاب همگانی، یک انقلاب تمام خلقی بود و همین باعث شکست انقلاب شد.

در جریان انقلاب ۵۷ میلیون‌ها انسان شعار "مرگ بر شاه" سر دادند اما این شعار یک شعار

## تجارب و درس‌های قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن و نیازهای امروز جامعه

سلیبی بود. مردم تصویر روشنی از این که چه چیزی باید جایگزین شود نداشتند. آنچه که انقلاب به آن نیاز داشت در کنار شعار مرگ بر شاه یک شعار ایجابی بود. توده‌ها خواست‌های مشخصی داشتند، اما این که چگونه می‌توان به این خواست‌ها تحقق بخشید روشن نبود.

از آن طرف طبقه کارگر که این رسالت را داشت تا با رهبری انقلاب و به دست گرفتن قدرت سیاسی به خواست‌های توده‌های تحت ستم جامعه تحقق بخشد، به یک طبقه برای خود تبدیل نشده بود. طبقه کارگر فاقد آگاهی طبقاتی لازم و تشکل سیاسی خود بود. برای همین با برنامه خاص خود وارد انقلاب نشد، بلکه به شکل توده‌ای بی‌شکل در امواجی که به راه افتاده بود، غرق شد.

علت این ضعف نیز به دیکتاتوری شاه و جنایات سازمان یافته رژیم سلطنتی برمی‌گردد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت محمدرضا پهلوی به قدرت، به دلیل نقشی که روحانیت و در راس آن کاشانی در پیروزی کودتا داشت، شاه و امدار روحانیت بود. رژیم سلطنتی با سرکوب آزادی‌های بدست آمده در آن سال‌ها، ایجاد خفقان، سرکوب مخالفان، قدرت خود را تحکیم بخشید و به حیات خود ادامه داد. بویژه در دهه‌ی ۵۰ که بحران‌های درونی مناسبات حاکم در حال رشد بود، رژیم سلطنتی با سرکوب وحشیانه سازمان‌های چپ و دمکرات، صدها تن را به قتل رساند و هزاران نفر دیگر را به زندان کشید. در نبود آزادی‌های سیاسی، در شرایطی که هیچ سازمان سیاسی امکان فعالیت آزادانه نداشت، این تنها روحانیت بود که با تکیه به مساجد که در سرتاسر ایران گسترده بودند، توانست موقعیت خود را در میان توده‌های ناآگاه و خرافی تحکیم بخشد تا آنجا که در جریان انقلاب ۵۷ برخی از مردم به دنبال دیدن تصویر خمینی در ماه بودند.

بدین ترتیب با سرنگونی رژیم سلطنتی انقلاب به پایان نرسید و پیروز نشد، بلکه ضد انقلابی هارتر از ضد انقلاب حاکم به قدرت رسید. ضد انقلابی که وظیفه داشت انقلاب را به شکست بکشانند. اما شکست انقلاب به سادگی ممکن نبود. مردم در عرصه‌هایی آزادی را بدست آورده بودند. احزاب و سازمان‌ها بسیاری به فعالیت علنی روی آورده بودند از جمله سازمان ما که بسیاری از توده‌های کار و زحمت و دانشجویان و دانش‌آموزان به آن پیوسته و بدین ترتیب به سازمانی با پایگاه توده‌ای تبدیل شده بود. تشکل‌های سندیکایی و شوراهای کارگری فرا کارخانه‌ای از جمله در تهران، خوزستان، گیلان، آذربایجان و دیگر مناطق کشور بوجود آمده بودند. شوراهای سراسری خلق ترکمن صحرا که منتخب توده‌های ترکمن صحرا بودند، با شعار "زمین از آن کسانی است که بر روی آن کار می‌کنند" بسیاری از امور منطقه را در دست گرفته بودند. شوراهای محلات در کردستان شکل گرفته بود. همه‌ی این‌ها بخشی از دستاوردهای قیام شکوهمند بهمن ماه بود و حکومتی که تازه بر سریر قدرت نشسته بود هنوز قدرت شکست کامل انقلاب را نداشت. از مرداد ۵۸ و با فرمان

جهاد خمینی علیه مردم قهرمان کردستان، جمهوری اسلامی هجوم خود علیه دستاوردهای انقلاب ۵۷ را آغاز کرد و ضد انقلاب از حالت تدافعی خارج شد. جنگ ایران و عراق فرصت دیگری برای شکست انقلاب توسط ضد انقلاب فراهم آورد و زمینه سرکوب سراسری را فراهم ساخت. سرکوب و جنایاتی که در سال ۶۰ به اوج خود رسید و بالاخره انقلاب شکست خورد. در این میان البته باید بر نقش جریان "اکثریت" با پیوستن به اردوی ضد انقلاب، و سنگین کردن موازنه قوای سیاسی به نفع ضد انقلاب تاکید کرد.

بنابراین اگر نمی‌خواهیم تجربه شکست انقلاب ۵۷ تکرار شود، باید براساس سومین درس بزرگ قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن و انقلاب ۵۷ بدانیم که چه قدرتی باید جایگزین حکومت فعلی شود. آن خواسته‌هایی که توده‌های تحت ستم ایران را در سال ۵۷ به اعتصاب و انقلاب کشاند، همین امروز هم خواسته‌های اصلی توده‌هاست. آن بحران‌هایی که جامعه را به سمت یک انقلاب هدایت کرد، امروز با حدت و شدت بیشتری وجود دارند. بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کنونی به ابعاد بی‌سابقه‌ای رسیده است و تنها طبقه کارگر است که می‌تواند به این بحران‌ها پایان دهد. هیچ جناحی از بورژوازی قادر به این امر نیست و این را تجارب تاریخی دهه‌های اخیر نیز اثبات می‌کند. بنابراین تنها انقلابی به رهبری طبقه کارگر و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان می‌تواند بر این وضعیت نقطه پایان بگذارد و سرانجام انقلاب توده‌های تحت ستم ایران به پیروزی برسد.

به همین دلیل است که بورژوازی و تمامی نمایندگان آن در داخل و خارج از کشور به همراهی دولت‌های امپریالیستی از انقلاب می‌ترسند. وقوع یک انقلاب آن‌ها را چنان به وحشت انداخته است که گروهی از آن‌ها گذر از جمهوری اسلامی با رفراندوم را مطرح می‌کنند و گروهی دیگر حتی خود را طرفدار انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی نشان می‌دهند. آن‌ها از انقلاب می‌گویند اما تمام تلاش‌شان در این

است که از بالا و با دخالت قدرت‌های امپریالیست تحولی آرام و از بالای سر مردم صورت گرفته و آن‌ها به قدرت برسند. غافل از آن‌که نه جمهوری اسلامی حکومت پهلوی است که با دستور دولت‌های امپریالیست صحنه را خالی کند و نه اساساً شرایط امروزی با سال ۵۷ قابل مقایسه است. آن‌ها به‌خوبی می‌دانند که مردم ایران مردم سال ۵۷ نیستند. نه طبقه کارگر امروز طبقه کارگر ۴۴ سال پیش است و نه دیگر گروه‌های اجتماعی. آگاهی سیاسی توده‌ها با سال ۵۷ قابل مقایسه نیست از همین رو شکی نیست که در صورت بروز انقلاب، دیگر بسادگی نمی‌توان از بالای سر مردم یک خمینی دیگر را به آن‌ها تحمیل کرد. مشخص است که امروز طرفداران قدرت شورایی بسیار نیرومندتر و غیرقابل مقایسه با سال ۵۷ هستند. این‌ها مواردی است که دشمنان توده‌های تحت‌ستم ایران نیز از آن آگاهند و به همین دلیل از انقلاب می‌ترسند و هر روز با یک نمایش دیگر وارد میدان می‌شوند. یک روز با "من وکالت می‌دهم" و وقتی که این نمایش با آبروریزی شکست می‌خورد، در دانشگاه جرج‌تاون نمایش دیگری با عنوان "اینده جنبش دموکراسی ایران" برپا می‌کنند و از تهیه "منشور همبستگی" خبر می‌دهند، گویی مردم ایران متفرق هستند. آن‌ها هیاهو می‌کنند که اتحاد رمز پیروزی است، اما منظورشان از اتحاد پذیرش رهبری آن‌ها از سوی مردم و بویژه دولت‌های امپریالیست است وگرنه اتحاد توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران هیچ ربطی به اپوزیسیون‌های بورژوائی خارج‌نشین ندارد. آن‌ها اکنون حتی به جای وزیر خارجه رژیم، رضا پهلوی و مسیح علی‌نژاد را به کنفرانس امنیتی مونیخ دعوت می‌کنند.

این‌نمایش‌ها چیزی جز فریب و هیاهو نیستند. تنها راه نجات مردم ایران انقلاب است و این راه از اعتصاب عمومی سیاسی، وارد شدن میلیون‌ها انسان در عمل به میدان مبارزه، و بالاخره قیام مسلحانه، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان می‌گذرد.

کار - نان - آزادی

حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

هوادران سازمان فدائیان (اقلیت)

## یک اقدام بین‌المللی کارگری کم‌نظیر در حمایت از جنبش انقلابی و کارگران ایران



به ابتکار و پیشنهاد اتحادیه‌های کارگر انگلستان و همراهی بزرگترین اتحادیه‌های کارگری در اروپا و کانادا، روز ۸ فوریه (۱۹ بهمن) به‌عنوان روز اقدام حمایت فراملی اتحادیه‌های کارگری از مردم ایران اعلام شد. اتحادیه‌های بزرگ کارگری در ۱۰ کشور از جمله؛ فرانسه، آلمان، انگلیس، هلند، سوئد، نروژ، دانمارک و کانادا در بیانیه‌هایی که به این مناسبت انتشار دادند، همبستگی خود با مردم ایران و حمایت خویش از جنبش انقلابی مردم ایران را اعلام نمودند. مضمون و خواست‌های اتحادیه‌های کارگری، هماهنگی و یگانگی این خواست‌ها با مطالبات توده‌های مردم در این بیانیه‌ها کم‌نظیر بوده‌ها میلیون عضو این اتحادیه‌ها به‌طور هماهنگ و در مقیاسی بزرگ و بین‌المللی اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی مانند بازداشت، شکنجه، کشتار و اعدام مبارزان و مردم معترض را محکوم کردند. خواهان پایان کامل اعدام‌ها، آزادی بی‌قیدوشرط بازداشت‌شدگان ماه‌های اخیر و تمام زندانیان سیاسی شدند. اتحادیه‌های کارگری همچنین خواهان لغو اتهامات واهی علیه فعالان کارگری، معلمان و دانشجویان نویسندگان و مترجمان و دانش‌آموزان و دیگر زندانیان سیاسی شدند. از حق کارگران و معلمان و دیگر اقشار جامعه برای ایجاد تشکل مستقل، آزادی بیان و تجمع دفاع کردند. برخی از سندیکاهای فرانسوی در حمایت از مردم و به تاسی از شعار "مرگ بر ستمگر- چه شاه باشه چه رهبر، آشکارا علیه اپوزیسیون بورژوازی سلطنت‌طلب موضع‌گیری کردند. در این مورد می‌توان به "سولیدر" یکی از اتحادیه‌های کارگری فرانسه اشاره نمود که همراه با ۴ سندیکای بزرگ دیگر در این کشور، کلکتیوی در همبستگی با کارگران ایران تشکیل داده‌اند. نماینده این سندیکا در مصاحبه خود ضمن حمایت از کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری به‌ویژه تحسین شجاعت و عزم و اراده مردم ایران، به جریان‌هایی در اپوزیسیون اشاره می‌کند که سعی می‌کنند به‌اصطلاح راه‌حل‌هایی را از خارج کشور به داخل تحمیل کنند که اغلب شامل بازگرداندن فرزند شاه سابق به قدرت می‌شود. در ادامه، نماینده سندیکای سولیدر می‌گوید: "در مواجهه با این مانورها، شعار کلکتیو ما همان شعاری است که معترضین ایران سر می‌دهند نه شیخ و نه شاه یا به‌عبارت دیگر همان مطالبه‌ای که در شعار "مرگ بر ستمگر- چه شاه باشه چه رهبر" تجلی‌یافته است. در بیانیه کلکتیو سندیکاهای فرانسوی شامل کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (س اف د ت)، کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)، فدراسیون سندیکائی متحد (اف اس او - فرهنگیان)، اتحادیه سندیکائی برای همبستگی (سولیدر)، اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل (اونسا) که به مناسبت این روز منتشر نمود از جمله چنین آمده است:

از زمان مرگ ژینا مهسا امینی، امواج خشم دانشجویان، زنان (که اینک بدون حجاب

درملاعام ظاهر می‌شوند)، مزدبگیران و... که از حمایت اکثریت قریب به‌اتفاق مردم برخوردارند، کل کشور را فراگرفته است. سرکوب تظاهرکنندگان توأم با خون‌ریزی است. در ایران خواست تشکیل اتحادیه‌های کارگری، تظاهرات، اعتصاب و یا ابراز عقاید و باورهایی که موجب نارضایتی حکومت باشد، جرم و جنایت تلقی می‌شوند و حکومت آن‌ها را با اعمال همه‌جانبه ضرب و شتم، شکنجه، حبس‌های بسیار سنگین و اعدام‌های خودسرانه، مجازات می‌کند. این روش‌های سرکوبگرانه غیرقابل‌قبول‌اند. هدف حکومت از تشدید سرکوب ایجاد جو رعب و وحشت به‌منظور ترساندن همه زنان و مردانی است که برای خواسته‌های عادلانه مبارزه می‌کنند. اما سرکوب‌ها عزم راسخ مردم ایران را تضعیف نمی‌کند، آنان تا سقوط رژیم به مبارزات خود ادامه می‌دهند و در عین حال مخالفت خود از بازگشت احتمالی سلطنت را هم ابراز می‌دارند." در سوئد سازمان مرکزی کارگران سوئد (ال.او) که نماینده ۱۴ اتحادیه کارگری و دارای ۱/۴ میلیون عضو است حمایت خود را از این اقدام اعلام و با هم‌کسانی که سوگوار کشته شدن صدها جوان معترض توسط رژیم جمهوری اسلامی در اعتراضات اخیر می‌باشند، ابراز همبستگی کرده است.

در اطلاعیه‌ی ال. او آمده است: روز هشت فوریه همه اتحادیه‌های کارگری در جهان همبستگی خود را با کارگران ایران در مبارزه برای شرایط انسانی کار و آزادی تشکل به نمایش می‌گذارند.

دفاع آشکار و بی‌پرده و شجاعانه از جنبش انقلابی مردم و کارگران ایران در طول یک قرن اخیر فعالیت‌های سندیکائی کم‌نظیر است. اتحادیه‌های کارگری در سطح بین‌المللی البته پیش‌از این نیز مکرر اما جداجدا با کارگران ایران اعلام همبستگی نموده و از فعالان کارگری نیز حمایت کرده بودند. اما اقدام متحدانه اتحادیه‌ها، فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌های کارگری باده‌ها میلیون عضو و حمایت و همبستگی با جنبش کارگری و جنبش انقلابی ایران، رویدادی کم‌سابقه اما مبارکی است که باید آن را به فال نیک گرفت. مهم‌تر اینکه اتحادیه‌های کارگری کشورهای مختلف در تاریخ هشت فوریه که از قبل تعیین‌شده بود، تجمعات و مراسم‌های گوناگون و متعددی را نیز در برابر سفارت رژیم جمهوری اسلامی، یا میداین شهرهای بزرگ به نشانه اعتراض نسبت به کشتار و اعدام و سرکوب رژیم و در حمایت از کارگران و جنبش انقلابی مردم معترض ایران برگزار کردند و از چهارچوب محدود حمایت‌های لفظی و نوشتاری عبور نموده و به اقدامات عملی روی آوردند.

علاوه بر اتحادیه‌های کارگری، فدراسیون جهانی معلمان و کارگران آموزش‌وپرورش (آموزش بین‌الملل) با انتشار بیانیه‌ای، به‌روز جهانی اقدام و حمایت فراملی سندیکاهای کارگری جهان از مردم ایران پیوست. آموزش بین‌المللی بار دیگر از مقامات ایران خواست

فوراً و بدون قید و شرط تمامی کارگران و فعالان صنفی، دانشجویان، معلمان و سایر شهروندان بازداشت‌شده را آزاد کنند.

آموزش بین‌الملل (EI) در بیانیه خود پس از اشاره به قتل مهسا امینی که از شهرپورماه موجب اعتراضات سراسری در کشور شده است می‌نویسد: "پاسخ رژیم اسلامی به آرمان‌های مردم ایران برای آزادی و دموکراسی وحشیانه بود. صدها نفر از جمله ۷۰ کودک کشته‌شده‌اند. بیش از ۱۸۰۰۰ نفر دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. چهار معترض پس از محاکمه‌های ساختگی اعدام‌شده‌اند و بسیاری دیگر در معرض خطر اعدام قرار دارند." آموزش بین‌الملل در پایان این بیانیه چنین می‌نویسد: "به‌عنوان صدای معلمان و کارکنان آموزش‌وپرورش در سراسر جهان، آموزش بین‌المللی در همبستگی با معلمان و مردم ایران می‌ایستد و به حمایت از مبارزه آن‌ها برای حقوق و دموکراسی ادامه خواهد داد. ما صدای آن‌ها هستیم!"

افزون بر این و در ادامه حمایت‌های بین‌المللی از کارگران و جنبش انقلابی مردم ایران، سندیکای کارگران حمل‌ونقل ترکیه با برپایی تجمع در مقابل کنسول گری جمهوری اسلامی در استانبول، از رضا شهبانی و سایر اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه حمایت کرد. گروه‌های گوناگون دیگری از مبارزان به‌ویژه زنان در بنگلادش، افغانستان، لبنان، سوریه و سودان و کشورهای اروپایی از جنبش انقلابی مردم ایران و مبارزه برای کسب آزادی‌های سیاسی حمایت کرده‌اند. این حمایت‌ها کماکان ادامه دارد.

اقدام و ابتکار عمل اتحادیه‌های کارگری و تعیین روز اقدام و حمایت فراملی بزرگترین اتحادیه‌های کارگری در اروپا از جنبش انقلابی ایران، جلب‌توجه افکار عمومی و حمایت‌های وسیع و گسترده از اعتراضات و نبردهای خیابانی چند ماه اخیر، حقانیت توده‌های مردم ایران و جنبش انقلابی جاری علیه رژیم جمهوری اسلامی برای براندازی نظم موجود و استقرار یک دولت شورایی را به اثبات رساند. این اقدام بین‌المللی به‌ویژه در شرایطی که دولت‌های اروپایی عموماً دربند و بست با دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی ید طولایی دارند و با هزار و یک‌رشته مرئی و نامرئی با آن مرتبط‌اند و همواره آماده بوده‌اند بر سر هر موضوع ریزودرشتی با ارتجاع اسلامی کنار آیند و همچنین با توجه به اینکه اپوزیسیون راست بورژوازی آلت دست دولت‌های ارتجاعی و امپریالیستی سعی دارد افکار عمومی خارج و داخل کشور را با استفاده از ابزار تبلیغاتی و مدیای گسترده اعطایی همین دولت‌ها، بفریبد، بسیار مهم است. اقدام و ابتکار عمل کارگری و

## گزارش برگزاری پنجاه و دومین یادمان حماسه آفرینان سیاهکل و بنیانگذاری سازمان



اجرای بسیار خوب گروه موسیقی، انتخاب سرودهای پر شور و انقلابی همچون سرود "افتخاران جنگل" و "دایه دایه وقت جنگه" با صدای بسیار گرم و زیبایی "نغمه کوهستانی" خوانند گروه، جلوه خاصی به این مراسم یادمان داد که با استقبال گرم و کف زدن ها ممتد جمعیت حاضر در سالن همراه بود.

پس از اجرای موسیقی، از طرف مجری برنامه زمان استراحت برای غذا و نوشیدنی اعلام شد. پس از غذا، برنامه با شعرخوانی رفیق عباس سماکار نویسنده، شاعر و مبارز چپ و کمونیست ادامه یافت. پس از شعرخوانی عباس سماکار، یکی از افراد جوان و میهمان حاضر در سالن درخواست وقت کوتاهی کرد تا شعری را که در



یادمان حماسه آفرینان سیاهکل سروده است، بخواند، این وقت به وی داده شد و شعرش را خواند. شعری زیبا که با دکلمه ای سرشار از شور و شوق اجرا شد و مورد استقبال قرار گرفت. در لابلای هر بخش از برنامه نیز قسمت های از پیام های رسیده، توسط مجری برنامه قرائت شدند.

پس از شعر خوانی به مدت نیم ساعت پرسش و پاسخ از رفیق توکل بود که دنبال شد. پایان بخش برنامه خوب و باشکوه یادمان پنجاه و دومین یادمان حماسه آفرینان سیاهکل در استکهلم، پخش سرود انترناسیونال بود که با همخوانی جمعیت حاضر در سالن، در ساعت نه و نیم شب پایان یافت.

این مراسم از طریق یوتیوب، تلگرام، فیس بوک، و اینستاگرام نیز پخش شد.

گزارش برگزاری پنجاه و دومین یادمان حماسه آفرینان سیاهکل و بنیانگذاری سازمان روز جمعه ۲۱ بهمن ۱۴۰۱ (۱۰ فوریه) پنجاه و دومین یادمان حماسه آفرینان سیاهکل در سالن هوسبی تِرف استکهلم در سوئد از طرف کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت) برگزار شد. این مراسم که به مناسبت گرامی داشت ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ و به یادمان خاطره دلآوری های رزمندگان سیاهکل سازماندهی شده بود، با حضور گرم و استقبال پر شور جمعیت حاضر در سالن مواجه گردید. صحنه آرای سالن و نمای روی سن که با پرده ای بزرگ و قرمز رنگ که تصاویر ۱۵ چریک فدایی قهرمان بر آن نقش بسته بود، در همان آغاز ورود به



سالن چشم هر بیننده ای را به خود جلب می کرد.

مراسم یادمان سیاهکل، با پخش ویدئو کلیپ بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت پنجاه و دومین یادمان حماسه آفرینان سیاهکل، آغاز شد. پس از آن، برنامه با سخنرانی رفیق توکل دنبال گردید. سخنرانی رفیق توکل تحت عنوان "موقعیت کنونی جنبش و وظایف ما"، با تحلیلی جامع از چگونگی شکل گیری جنبش انقلابی کنونی شروع شد، با پرداختن به نکات قوت و ضعف این جنبش و توضیح شرایط کنونی آن دنبال شد و در ادامه با تبیین وظایف ما (همه نیروهای چپ و



کمونیست و انقلابی) در قبال این جنبش انقلابی و تحلیل اینکه رهبری و آلترناتیو واقعی این جنبش انقلابی در درون کشور شکل خواهد گرفت نه در خارج از کشور، سخنرانی خود را پایان داد.

## یک اقدام بین‌المللی کارگری کم‌نظیر در حمایت از جنبش انقلابی و کارگران ایران

حمایت از جنبش انقلابی و همبستگی میلیون‌ها کارگر عضو این اتحادیه‌ها با جنبش انقلابی و کارگران ایران، به نحو آشکاری فرق روش‌های توطئه آمیز بورژوا امپریالیستی و بندوبست در بالا، با جنبشی واقعی و کارگری و از پایین را نیز نشان می‌دهد. در چنین شرایطی که تلاش و تکاپوی بورژوازی برای زدوبند در بالا به اتکای دولت‌های امپریالیستی به پشتوانه نیروهای خارج کشوری از جنس و قماش خودشان برای جلوگیری از انقلاب و نجات نظم طبقاتی حاکم بر ایران به شدت ادامه دارد، اهمیت گشوده شدن یک جبهه مبارزه کارگری و انتر ناسیونالیستی در حمایت از جنبش انقلابی و کارگران ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف بانظم حاکم دوجندان می‌شود.

بی‌تردید این همبستگی عظیم بین‌المللی کارگری و حمایت آشکار ده‌ها میلیون کارگر متشکل در اتحادیه‌های کارگری از جنبش انقلابی و مبارزه مردم برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی، نه فقط این جنبش را تقویت می‌کند بلکه می‌تواند حضور مستقل کارگران و ثقل کارگری این جنبش را نیز تقویت کند. بنابراین تلاش برای سازمان‌دهی چنین ابتکار عمل‌هایی و جلب هر چه بیشتر حمایت اتحادیه‌ها و سندیکاها کارگری، جلب افکار عمومی و سازمان‌ها و تشکل‌های معلمان، زنان و غیره، تأثیرات مثبتی بر روند رو به رشد مبارزات کارگران و سایر زحمتکشان و نیز تداوم و گسترش جنبش انقلابی خواهد داشت. افزون بر اتحادیه‌های کارگری کشورهایایی که به این ابتکار عمل کارگری دست زدند، صدها سندیکا و اتحادیه کارگری در سایر کشورها مثلاً در یونان، ترکیه، تونس، کشورهای آمریکای لاتین، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، کره جنوبی و نظیران باده‌ها میلیون عضو وجود دارد. بنابراین گسترش و تعمیم این ابتکار عمل که در واقع نوعی اتحاد عمل کارگری نیز محسوب می‌شود به ۲۰ یا ۳۰ کشور می‌تواند نه فقط جنبش انقلابی را بیش از پیش تقویت کند بلکه بدون تردید می‌تواند سبلی از انرژی را به درون جنبش طبقه کارگر جاری کند و تأثیرات مثبتی بر جنبش کارگری بگذارد. پیش به سوی اتحاد و همبستگی بین‌المللی گسترده کارگری. پیش به سوی جلب هر چه بیشتر حمایت کارگران متشکل در اتحادیه‌های کارگری.



## زلزله های ویرانگر ازخوی تا ترکیه و سوریه!



### پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

روز دوشنبه دو زمین لرزه شدید با قدرت هفت و نیم ریشتر مناطق وسیعی از جنوب ترکیه و شمال غرب سوریه را لرزاند و سبب خسارات و تلفات بسیاری شده است. این زمین لرزه در ایران، عراق و لبنان نیز احساس شد. بر طبق گزارشات اولیه، تاکنون حدود ده هزار نفر کشته و دهها هزار نفر مجروح و مصدوم شده اند و آمار تلفات، ساعت به ساعت در حال افزایش است.

رژیم ترکیه از جامعه جهانی تقاضای کمک فوری کرده و تاکنون حدود هفتاد کشور و بیست نهاد بین المللی به آن پاسخ مثبت داده اند. یکی از مناطق به شدت آسیب دیده در سوریه، بخش هایی است که تحت کنترل مخالفین جهادبست دولت سوریه است. به گزارش سازمانهای امداد رسانی سازمان ملل، این گروه مخالفین مانع ورود امداد رسانی به این منطقه هستند که طی جنگ داخلی دهساله با رژیم بشار اسد دچار ویرانی های عظیم و فقر و فلاکت بسیار شده اند و این زمین لرزه وضعیت مردم ساکن این مناطق را بسیار اسفبارتر کرده است و عملا از امداد رسانی و کمکهای بین المللی خبری نیست.

حدود دو هفته پیش نیز زمین لرزه ای به قدرت شش ریشتر شهر خوی و مناطق اطراف را لرزاند و هزاران نفر از مردم این منطقه را در سرمای شدید زمستان، بی خانمان کرد. درماندگی کامل رژیم اسلامی در امداد رسانی فوری به زلزله زدگان خوی، صدای اعتراض مردم این منطقه و کل مردم ایران را برانگیخت. این رژیم در مانده حتی موانع بسیاری برای جلوگیری از ارسال کمکهای مستقل مردمی ایجاد نمود و به جای گسیل نیروهای امدادگر و ایجاد سرپناه و تهیه وسایل گرمایزا و کمکهای غذایی و بهداشتی وسیع، یگان ویژه ضدشورش را عازم منطقه نمود و برای متفرق کردن مردم معترض از ماشین آب پاش استفاده کرد. با این همه و با وقاحت ادعا میکند که در روزهای اخیر کمکهای زیادی به ترکیه و سوریه فرستاده است.

فجایع ناشی از وقوع زمین لرزه در ایران و ترکیه و سوریه و ... بار دیگر نشان میدهد که رژیم های سرمایه داری و ارتجاعی، اهمیتی به حفظ جان مردمان خود نمی دهند.

بشر اگر چه تا کنون قادر به جلوگیری از وقوع رویدادهای طبیعی مثل زمین لرزه نشده است، اما قادر بوده و هست که با رعایت استانداردهای ساختمان سازی و مقاوم سازی آنها در برابر زمین لرزه های شدید، جلوی ویرانی و مهمتر از آن جلوی تلفات انسانی وسیع را بگیرد. اما شرکتهای ساختمان سازی و بورژوازی مسکن در راستای کسب حداکثر سود و کاهش هزینه ها، سعی میکنند به شیوه های مختلف از رعایت استانداردهای ایمنی طفره برونند و در این میان، رژیم های ارتجاعی و بوروکراسی دولتی فاسد و رشوه گیر نیز در خدمت آنهاست تا با جان و مال میلیونها انسان بازی کنند.

ضمن اینکه خرافات مذهبی نظیر اینکه زمین لرزه "مشیت و آزمون الهی" است و غیره نیز به مدد رژیم های ضد مردمی و ارتجاعی می آید تا بی عرضگی و درماندگی خود را برای حفظ جان شهروندان توجیه کنند.

پیشرفت های علمی در امر ساختمان سازی در شماری از کشورها، نشان داده که میتوان ساختمان هایی بنا نمود که براحتی بتوانند زمین لرزه ای با قدرت ده ریشتر را نیز تحمل کنند. بنابراین اگر جلوی زمین لرزه را نمیتوان گرفت، جلوی خسارات و فجایع انسانی ناشی از آنرا میتوان گرفت و این بدون مبارزه با سودپرستی نظام سرمایه و دولتهای فاسد پشتیبان آنها میسر نیست.

ما ضمن تاکید بر این حقیقت و ضرورت تشدید مبارزه با مافیای مسکن و بوروکراسی فاسد، معتقدیم آنچه اکنون میلیونها زلزله زده در ترکیه و سوریه و از جمله خوی نیاز دارند، گسیل وسیع کمک های غذایی و بهداشتی، تامین سرپناه برای مردم آواره و زلزله زده و اعزام فوری امدادگران آموزش دیده از سراسر جهان است تا بتوانند هزاران نفری را که در زیر آوار گیر کرده اند نجات دهند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، ضمن همدردی عمیق با خانواده های قربانیان زلزله های اخیر، خواهان همبستگی جهانی برای کمک به مردم زلزله زده است که میلیونها نفر از آنها به کمکهای فوری نیاز دارند. بدون ارسال کمکهای فوری و گسترده، تراژدی هولناکی در انتظار مردمان این مناطق خواهد بود.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**

**۱۹ بهمن ۱۴۰۱ - ۸ فوریه ۲۰۲۳**



## به سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقای گرامی!

گرامیداشت سالروز سیاهکل را به شما و فعالین جنبش کمونیستی تبریک می‌گوئیم. سیاهکل و بنیانگذاران جنبش انقلابی فدایی سنت مبارزاتی معینی را بجای گذاشتند که در تاریخ جنبش کمونیستی ایران کم‌نظیر بوده است. بعد از گذشت بیش از ۵ دهه از ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، نسل جوان کمونیست و انقلابی امروز نیز از جنبش انقلابی فدایی و بنیانگذاران آن تجلیل کرده و یاد آنها و سنت مبارزاتی‌شان را گرامی می‌دارد. سیاهکل نه تنها برشی انقلابی از گروهبندی های سیاسی زمانه خود بود، بلکه با نقد انجماد فکری و عملی، گسترش خلاقیت و انطباق نظر و عمل به ژرفای سنت انقلابی و پیشه کردن صداقت و نوجویی به جلب اعتماد توده‌های مردم و مبارزین جنبش کمونیستی کمک نمود. یعنی آنچه که در شرایط کنونی، جنبش کمونیستی و انقلابی سخت به آن نیازمند است. برگزاری سالروز سیاهکل مصادف است با برآمد جنبش انقلابی در ایران. در این شرایط پر تپش نیروهای چپ و کمونیست بیشتر از هر دوره‌ای نیازمند کاربست سنت انقلابی سیاهکل برای مداخله خلاقانه در جنبش و جلب اعتماد توده‌های مردم کارگر و زحمتکش و همگرایی آنها در راستای تحقق آرمان‌های جنبش کمونیستی است.

با آرزوی بهترین ها  
هسته اقلیت

بهمن ماه ۱۴۰۱ / فوریه ۲۰۲۳



## پیام به سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت

## پنجاه و دومین سالگرد سیاهکل

رفقا بزرگداشت فداکاری و از خودگذشتگی گروهی از جوانان آگاه و کمونیست در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ در سیاهکل، در شرایطی که رژیم دیکتاتوری پهلوی، با اختناق و سرکوب، میلیونها تن از مردم ایران را به اسارت گرفته بود، بدون تردید نقطه عطفی در جنبش انقلابی و بخشی جدا ناشدنی از رزم نسل پیشاهنگ جامعه بود. رویداد سیاهکل، الگویی درخشان برای هزاران مبارز آن دوران بود که در سازمان چریک های فدایی به مبارزه پرداختند و متأسفانه برخی از آنها جان باختند! ما یاد و خاطره این عزیزان و قیام سیاهکل را گرامی می‌داریم.

رفقا! ما سازمان فدائیان (اقلیت) را صاحب اصلی و سکندار سنت های انقلابی و اهداف و آرمانهای بزرگ سوسیالیستی حماسه آفرینان سیاهکل می دانیم. سازمان فدائیان (اقلیت) علیرغم چرخش های راستی که به بعد از قیام ۵۷ در درون سازمان چریک های فدایی خلق به وقوع پیوست، به آرمان های انقلابی و کمونیستی اش وفادار ماند و پیگیرانه در راه تحقق اهداف بزرگ آزادیخواهانه و سوسیالیستی، برپائی یک انقلاب اجتماعی کارگری و استقرار یک حکومت شورایی تلاش نموده و در تمام دورانی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بر سر کار آمده است، از آرمانها و اهداف طبقه کارگر ایران و مطالبات تمام ستمدیدگان ایران دفاع کرده است.

رفقا ما شادمانیم که با سازمان شما در چند سال اخیر همکاری رفیقانه ای را با همراهی دیگر نیروهای چپ و کمونیست در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" در راه پاسخگویی مشترک به تعهدات انقلابی و کمونیستی مان و پیشبرد نیازهای جنبش های اجتماعی در ایران و در راس آنها جنبش کارگری پیش برده ایم و بطور قطع تداوم و گسترش این همکاری ها، همگرایی و روابط عمیق تری بین ما ایجاد کرده و آن را مستحکم تر خواهد ساخت. امیدواریم این همگرایی و همکاری ها الگویی برای گسترش فعالیت های مشترک فی مابین و یاری رسان پیشبرد وظایف و اهداف مبارزه مان در میان فعالین چپ و کمونیست جامعه در داخل کشور و به ویژه در راستای شکل دادن به قطب چپ و کمونیستی باشد.

با تشکر از دعوتتان و آرزوی پیروزی!

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

دهم فوریه ۲۰۲۳ برابر با ۲۱ بهمن ۱۴۰۱





## پیام سازمان راه کارگر به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد قیام سیاهکل



## پیام به حزب کمونیست ایران

### رفقای عزیز

سیاهکل اعلام حضور جنبشی بود سرشار از عشق به توده ها ، جنبش جانفشانی های سترگ برای آزادی و برابری و علیه استبداد و نابرابری ، جنبش شیرزنان و مردان فدایی برای رهایی توده ها در دوره ای تاریک و استبدادزده پس از کودتای آمریکایی بیست و هشت مرداد سی و دو .

گرامیداشت این روز عزیز در شرایطی برگزار میشود که مردمان ایران ، اردوی عظیم کار و زحمت بیش از پنج ماه است که انقلاب نوینی آغاز کرده اند ؛ در تداوم خیزش دی ماه نود و شش و آبان نود و هشت و اعتصابات با شکوه کارگران ، معلمان و باننشستگان ، آن هم با دستان خالی ، اما با جسارت و اراده ای با شکوه در برابر حکومت فاشیست تا دندان مسلح و سرکوب گر!

انقلابی که در پی قتل عمد دولتی ژینا « مهسا امینی » ، و با محوریت شعار ژن ژبان نازادی آغاز شده و همچنان با افت و خیز ادامه دارد و در این نبرد نابرابر تا کنون بیش از ششصد جان شفیفته - عموماً نوجوان و جوان - با شقاوت بی حد و حصر توسط رژیم فاشیست اسلامی به خاک افتاده اند و رژیم انسان ستیز بیش از بیست هزار نفر را بازداشت یا ربوده است که اکثریت آنان زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند . انقلابی که در همان چند روز اولیه ، به سرعت مرزها را در نوردید و خود را در دل و ذهن بی شمار مردمان جهان ، بخصوص زنان و جوانان جای داد و شعار : زن زندگی آزادی جهانی شد .

### رفقای عزیز

آن عزیزان ، آن قهرمانان سیاهکل خونین بر سر آرمناهای شریف و انقلابی شان ، جان بر سر پیمان نهادند و در راه سرخ و با شکوه سر باختند . اما انقلاب بهمن نشان داد که بدون خود سازمانیابی طبقه کارگر و متحدین اش یعنی « اکثریت عظیم » ؛ انقلاب را ضد انقلاب مصادره و انقلابیون را سرکوب خواهد کرد . جانفشانی های سترگ تنها در این مسیر است که کارایی خود را برای پیروزی انقلاب متبلور خواهد کرد و این « موتور بزرگ » جنبش انقلابی اردوی بی شمار کار و زحمت است که می تواند حاکمیت سرمایه داری و استبداد را به زانو درآورد و لاغیر!

### رفقای عزیز

اکنون که پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل را گرامی می داریم ، بار دیگر با صدها جانبخته چپ و کمونیست آزادی خواه ایران در دوره پنجاه ساله حکومت پهلوی ( پدر و پسر ) و نیز هزاران جانبخته راه آزادی و برابری در طول چهار دهه حیات رژیم خونخوار مذهبی و سرمایه داری اسلامی ، پیمان می بندیم که تا آخرین نفس با درسگیری از توانایی ها و هوشمندی ها ، شکستها و اشتباهات گذشته ؛ پرچم پر افتخار مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را بر زمین نگذاریم و همه توش و توان خود را بکار گیریم تا مانع مصادره انقلاب با شکوه جاری توسط ضد انقلاب داخلی و خارجی شویم .

گرامی باد یاد رفقای عزیز ما ، جانبخته گان حماسه سیاهکل  
سرنگون باد رژیم مذهبی و سرمایه داری حاکم  
پردوام و پیروز باد انقلاب نوین جاری  
زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر  
[www.rahkargar.com](http://www.rahkargar.com)

به مناسبت گرامی داشت ۲۶ بهمن، روز کومله

رفقا! گرمترین درود و پیام ما را به مناسبت فرارسیدن ۲۶ بهمن، روز کومله پذیرا باشید. ۲۶ بهمن، روزی است که بخشی از نیروهای رزمنده و پیکارگر کمونیست با اراده ای مصمم جهت مبارزه با ناسیونالیسم و نظم سرمایه داری موجود در کنار هم قرار گرفتند و سازمان کومله را بنیان نهادند. بدون شک، این روز نه فقط برای شما، که برای ما نیز روز ارج گذاشتن بر بیش از چهار دهه پیکار، رزمندگی، استقامت و فعالیت های مبارزاتی پایدار علیه هرگونه استبداد در دوران حکومت خودکامه و مستبد دو نظام پادشاهی و اسلامی است. روزی که صدای کارگران، زنان ستمدیده و دهقانان زحمتکش کردستان، پژواکی پرطنین در یادمان این روز پیدا کرده است. صدایی که لازم است با مبارزه ای پیگیر علیه ناسیونالیسم و گسترش رزم طبقاتی به فراسوی جغرافیای کردستان انقلابی کشیده شود. صدایی که شما رفقا، با گام های محکمی که در این مسیر برداشته اید، یقیناً در پاسخگویی به این ضرورت تاریخی انعکاس خواهد یافت .

رفقای کومله و حزب کمونیست ایران! لازم به یادآوری نیست، همکاری مشترک و رفیقانه ما و شما، همراه با دیگر نیروهای چپ و کمونیست در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" می تواند به سهم تلاشی که تاکنون صورت گرفته است، گامی ارزنده در راستای پاسخگویی به اهداف انقلابی طبقه کارگر در مسیر سراسری شدن این جنبش باشد. ضرورتی که اکنون بیش از هر زمان دیگری احساس می شود و لازم است مجموعه احزاب، سازمان ها و نیروهای چپ و کمونیست با درک این ضرورت تاریخی گام های عملی محکمتری جهت غلبه بر پراکندگی جنبش کمونیستی ایران در داخل و خارج بردارند.  
با تشکر از دعوتتان و آرزوی پیروزی برایتان!

کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۱ فوریه ۲۰۲۳ برابر با ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

## عفو "ده ها هزار" زندانی، فریب بزرگ جمهوری اسلامی

بر عدم تکرار آن در آینده که در راستای سیاست های نظام اسلامی صورت می گیرد و چنانچه در آینده این افراد بر خلاف تعهد خویش عمل کنند، دایره عفو نسبت به آنان بسیار مضیق و اعمال مجازات نیز شدیدتر خواهد بود.

پس از اعلام رسمی پروژه عفو ملوکانه خامنه ای از تلویزیون جمهوری اسلامی، دستگاه پروپاگاندای رژیم، تبلیغات وسیعی در مورد جا انداختن شرط "توبه" و اظهار "ندامت" زندانیان برای آزادی را شروع و اعلام کردند، همه زندانیانی که این روزها آزاد شده یا خواهند شد، جملگی "تعهد کتبی" داده اند که اگر پس از آزادی دوباره مرتکب همان جرائم گردند، "اشد مجازات" در مورد آنان اعمال شود. محسنی اژه ای حتی اقدام به پرپایی سمینار کرد و در "گردهمایی آزادگان سیاسی مسلمان قبل از انقلاب استان تهران" گفت، قوه قضائیه "در راستای تسریع" موافقت خامنه ای برای آزادسازی زندانیان از جمله زندانیان سیاسی، هیات هایی را جهت تطبیق مصدایق با معیارهای پیش بینی شده تشکیل داده است. اژه ای پس از طرح موضوع تشکیل هیات های هفت نفره اعزامی به زندان های جمهوری اسلامی، از زندانیان "مجاهد" و "مسلمان" پیش از انقلاب خواست تا در شیوه "احراز توبه" از "مجرمان و متهمان" شرکت کنند و یاری رسان دستگاه قضایی در سنجش چگونگی "رفتار" با زندانیان توبه کرده و آزاد شده باشند.

چنانکه می بینیم موضوع اظهار "ندامت" و دادن "تعهد کتبی" در دستگاه تبلیغاتی رژیم و مسئولان قضایی آن چنان برجسته شده است تا با اتکا به این سیاست نخ نما، رسوایی رژیم را در دستگیری بی دلیل ده ها هزار معترض خیابانی توجیه کنند. دستگیرشدگانی که بدون انجام کمترین جرمی بازداشت شده اند و اکنون جمهوری اسلامی با انجام چنین پروژه دروغین تبلیغاتی می خواهد گریبان خود را از گرداب این رسوایی بزرگ رها سازد.

اما پروژه کذابی عفو ملوکانه خامنه ای، خصوصاً با شروط ۹ گانه ای که قوه قضائیه برای اجرای آن گذاشته است، آنچنان مقتضح، مسخره و ریاکارانه بود که از همان ابتدا با شکست مواجه شد و نه تنها کسی آن را جدی نگرفت، بلکه طرح فوق با واکنش های منفی داخلی و بین المللی هم مواجه شد.

بسیاری از کاربران شبکه های اجتماعی اعلام کردند، به راستی در این چند ماه گذشته "چند ده هزار نفر" را دستگیر کرده اید که اکنون می خواهید "ده ها هزار" نفر را آزاد کنید؟ اگر این "ده ها هزار" نفر از جوانان دستگیر شده، خارج از شمول شروط اتهامی ۹ گانه دستگاه های امنیتی رژیم بوده اند و آنان هیچکدام از جرم های برشمرده در عفو دستگاه قضایی را انجام نداده اند، پس چرا و به چه "اتهامی" آنان را بازداشت و محکوم کرده اید که اکنون می خواهید آنان را "زیر منت عفو ملوکانه" خامنه ای بگذارید و از این نمذ برای ورشکستگی و

رسوایی خود کلاهی بسازید؟

جدای از واکنش کاربران شبکه های اجتماعی و تعدادی از زندانیان سیاسی، برخی سازمان های مدافع حقوق بشر نیز واکنش نشان داده اند، از جمله سازمان حقوق بشر ایران در توییتری، پروژه عفو معترضان به دست خامنه ای را "اقدامی تبلیغاتی" و ریاکارانه خواند. این نهاد حقوق بشری با تاکید بر اینکه معترضان خیابانی "از حق خود برای اعتراض استفاده کرده اند"، اعلام کرد: "بازداشت و احکام صادره برای این شهروندان "وجاهت ندارد" و نه تنها تمام معترضان باید بدون قید و شرط آزاد شوند، بلکه در راه اجرای عدالت، محاکمه آمران و عاملان سرکوب نیز یک حق همگانی است."

اگرچه ممکن است دستگیرشدگانی هم باشند که زیر فشار نیروهای امنیتی و برای رهایی از شرایط مرگبار زندان، چند جمله ای نوشته باشند که پس از آزادی، دیگر اقدامی علیه جمهوری اسلامی انجام نخواهند داد، اما آزادی آن تعداد از زندانیان سیاسی شناخته شده و مصاحبه هایی که آنان بعد از آزادی انجام دادند، پوچی تبلیغات دروغین دستگاه قضایی را برملا کرد. خصوصاً آن دسته از زنان زندانی که با بدرقه گرم سردخوانی "سراومد زمستون" همبندان خود آزاد شدند و خودشان نیز با خروج از درب زندان، روسری از سر برداشتند، به روشنی رسوایی شکست دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی را در نمایش پروژه "توبه" و نوشتن "تعهد کتبی" نشان دادند.

با این همه و به رغم اینکه طرح تبلیغاتی به اصطلاح "عفو" خامنه ای از همان ابتدا با شکست مواجه شد و طبیعتاً چنین شکستی برای سران رژیم هم قابل تصور بود، باید دید اساساً چرا جمهوری اسلامی در این بازه زمانی و بر بستر پاسخگویی به کدام نیاز سیاسی هیئت حاکمه به چنین رویکرد فریبکارانه ای متوسل شد. روشن است در دوره گسترش ارتباطات رسانه ای و اینترنتی، جمهوری اسلامی دیگر نمی تواند با تکیه بر دستگاه های تبلیغاتی خود به روش سال های دهه ۶۰ یک طرفه خبر سازی کند و با استفاده از مجموعه نهادهای پروپاگاندای خود مردم را در چنبره خبرهای کذابی رژیم محبوس و گرفتار سازد.

در شرایط کنونی، با توجه به اینکه افکار عمومی در عرصه داخلی و بین المللی روی جنبش انقلابی توده های مردم ایران متمرکز است، طبیعتاً هر کدام از زندانیان سیاسی که آزاد شوند، خبر آزادی آنان به سرعت و در زمان کوتاهی انعکاس جهانی می یابد. انعکاس زمان خبر آزادی زندانیان سیاسی شناخته شده آنچنان کوتاه است که تصویر و خبر آزادی آنان از همان لحظه خروج از درب زندان در شبکه های اجتماعی و رسانه های خارجی منتشر می شود. لذا بر کسی پوشیده نیست در چنین حجمی از گردش سریع اطلاع رسانی، برای جمهوری اسلامی مقدر نیست تا به ضرب تبلیغات رسانه ای خود، آزادی "چند ده نفر" یا تعداد بیشتری از

زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان اخیر را در قالب پروژه "عفو"، آنهم تحت عنوان آزادی "ده ها هزار" نفر از زندانیان به خورد افکار عمومی ایران و جهان بدهد.

با این همه نباید فراموش کرد ما با رژیم می مواجه هستیم که دروغ و فریب و دغلکاری، بخشی از ماهیت وجودی آن است. در نظامی به نام جمهوری اسلامی که شالوده رفتار و سیاست گردانندگان آن بر بنیان های مصلحت نظام استوار است، انجام هر دروغ و فریب و نیرنگی مجاز است. تجربه های تاکتونی هم نشان داده است که برای جمهوری اسلامی هیچ خط قرمزی بجز مصلحت نظام وجود ندارد و برای مصلحت نظام هم هرگونه دروغ و جعل و دغلکاری و فریبکاری نه فقط مجاز که واجب هم می باشد.

حال با این توضیح مختصر برگردیم به طرح این پرسش که جمهوری اسلامی در پاسخ به کدام نیاز سیاسی و مصلحت نظام، انجام پروژه فریبکارانه عفو "ده ها هزار" زندانی را در دستور کار خود قرار داد.

همه آمارهای ناکنونی بازداشت شدگان، دست کم بر دستگیری حدود ۲۰ هزار نفر از معترضان ماه های اخیر تاکید داشته و دارند. اما آنچه که اکنون دستگاه قضایی رژیم تحت پروژه آزادسازی "ده ها هزار" نفر از زندانیان ماه های اخیر مطرح کرده است، نشان می دهد که تعداد دستگیرشدگان باید بسیار بیشتر از ۲۰ هزار نفر باشد.

تعدادی از زندانیانی که پیش از کلید خوردن پروژه عفو خامنه ای آزاد شده اند، به درستی بر وجود بحران کثرت جمعیت و تعمیق این بحران به لحاظ سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی اشاره کرده اند. بحران کمبود جا، درمان، دارو، تامین غذا و همچنین بحران کودکان زندانی و مهمتر از همه، شکل گیری بحران سیاسی و گسترش اعتراضات در درون زندان ها از جمله بحران هایی هستند که زندانیان آزاد شده و محبوس در زندان بر آن تاکید داشته و دارند. اگرچه دستگاه آدمکش قضایی جمهوری اسلامی می تواند بحران هایی نظیر کمبود جا، دارو، درمان و تامین غذای زندانیان را دست کم در کوتاه مدت با شلاق و شکنجه و سرکوب حل کند، اما با گذشت زمان که دستگیرشدگان از شوک اولیه و فشارهای امنیتی دوران بازداشت خارج می شوند و موقعیت جدید خود را باز می یابند، همین بحران های مادی و صنفی- آنهم در شرایط موقعیت انقلابی کنونی- الزاماً به سمت بحران های سیاسی و جدال روزمره میان زندانیان و زندانبانان تبدیل خواهد شد. بحرانی که به تاسی از شرایط انقلابی جامعه در تعدادی از زندان های بزرگ در حال شکل گرفتن است و زمزمه های وجود این بحران چندی است که در جامعه نیز انعکاس یافته است.

برای جمهوری اسلامی اما معضل "ده ها هزار" معترض دستگیر شده فقط در چهارچوب بحران های بر شمرده در داخل زندان ها خلاصه نمی شود. هیات حاکمه ایران هم اکنون با بحران سیاسی بزرگتری در عرصه بین المللی - هم در نزد افکار عمومی و هم در مواجهه با دولت ها- رو برو است. بر کسی پوشیده نیست که هم اینک بحران هسته ای و شکاف میان سازمان انرژی

## عفو "ده ها هزار" زندانی، فرب بزرگ جمهوری اسلامی

اتمی ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی در بالاترین حد تنش و تقابل است. احیای توافق برجام نیز به رغم اهمیتی که برای طرفین دارد، همچنان در وضعیت اغماس و طبق آخرین اظهارات مقامات مسئول اروپایی و آمریکایی فعلا از دستور کار خارج شده است. آبروی نداشته نظام و اعتبار سیاسی جمهوری اسلامی نیز طی چند ماه گذشته از مرز آسیب دیدگی گذشته و هیات حاکمه ایران در عرصه داخلی و بین المللی به کلی مفتضح شده است. شدت و تعمیق ورشکستگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی به حدی است که دیگر بازسازی آن برای دستگاه دیپلماسی رژیم به سادگی ممکن نیست. نتیجه بلافصل وجود این حجم از بحران های داخلی و خارجی، عدم وجود امنیت سیاسی - اقتصادی لازم برای سرمایه گذاری خارجی در ایران است. وضعیتی که ادامه آن، بحران ژرف رکود- تومی را عمیق تر و بر شدت آن خواهد افزود.

روشن است، با وجود چنین بحران های وسیع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در عرصه داخلی و بین المللی جمهوری اسلامی را احاطه کرده اند، ادامه حیات برای این رژیم چندان آسان نخواهد بود. در چنین وضعیتی نیاز جمهوری اسلامی برای عادی جلوه دادن شرایط داخلی کشور در عرصه داخلی و بین المللی به صورت یک نیاز دو فاکتو برای خامنه ای و مجموعه هیات حاکمه ایران تبدیل شده است. آنچه در چند ماه گذشته افکار عمومی جهان را به شدت تحت تاثیر قرار داده، همانا حضور مبارزاتی زنان و جوانان ایران و سرکوب و دستگیری ده ها هزار نفر از معترضان خیابانی ست که در این فاصله بازداشت شده اند. بازداشت شدگانی که زیر شکنجه و داغ و درفش بازجویان و زندانبانان شکنجه گر جمهوری اسلامی قرار دارند و جانشان به شدت در خطر است.

عفو ملوکانه خامنه ای و تبلیغات وسیع دستگاه های پروپاگاندای جمهوری اسلامی مبنی بر آزادی "ده ها هزار" زندانی، صرفا اقدامی فریبکارانه برای پاسخگویی به این نیاز سیاسی رژیم در عرصه داخلی و بین المللی و سیگنالی برای عادی جلوه دادن شرایط داخلی کشور به جهان و جهانیان است. سیاستی که با همه سرمایه گذاری تبلیغاتی رژیم با شکست مواجه شد و بجای آزادی "ده ها هزار" نفر، تاکنون فقط ده ها نفر از زندانیان سیاسی شناخته شده و تعدادی هم از دستگیرشدگان اخیر از زندان های اوین، رجایی شهرکرج، زندان تهران بزرگ، ابهر، اصفهان، سنندج و شبیان اهواز آزاد شدند. زندانیان شناخته شده و غیر شناخته شده ای که جملگی با پرونده سازی های جعلی و امنیتی نیروهای اطلاعاتی دستگیر شده بودند، بعضی ها حکم شان در شرف پایان بود و تعدادی هم بلا تکلیف بودند. از میان زندانیان شناخته شده، آنگونه که آنان در مصاحبه های خود گفته اند، جملگی بدون درخواست "عفو" و بدون نوشتن "تعهد نامه" از زندان آزاد شده اند. با این همه و



## اطلاعیه در رابطه با پیوستن اتحاد سوسیالیستی کارگری

### به شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در راستای سیاست گسترش و همکاری بیشتر با نیروهای سیاسی چپ و کمونیست، با چند نیرو و از جمله با رفقای اتحاد سوسیالیستی وارد پروسه ای از بحث و گفتگو شد که نتیجه آن طبق توافق طرفین و بر اساس اطلاعیه ای که این رفقا منتشر کرده اند، پیوستن آنها به شورای همکاری است. پیوستن اتحاد سوسیالیستی به شورای همکاری در شرایطی که نیاز جنبش انقلابی جاری و مبارزه طبقه کارگر، همکاری کلیه نیروهای چپ و کمونیست را می طلبد، گامی است مسئولانه در راستای پاسخ به این نیاز و بدون شک به پیشبرد بهتر فعالیت های شورای یاری می رساند. ما از این تصمیم و اقدام رفقای اتحاد سوسیالیستی استقبال می کنیم و امیدواریم که در ادامه فعالیتهای مشترکمان شاهد همگرایی و همکاری بیشتر نیروهای چپ و کمونیست در راستای تقویت قطب چپ و سوسیالیستی در اوضاع خنجر سیاسی کنونی باشیم.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
۱۰ فوریه ۲۰۲۳

## بادرود به رفقای گرامی

رفقا ضمن تشکر مجدد از دعوت شما به شرکت در مراسم پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل، با اطلاع مبرسانیم که (بدلیل کسالت رفقای که قرار بود بنمایندگی از سازمان ما در مراسم شرکت بکنند)، نتوانستیم در مراسم شرکت بکنیم. بدینوسیله پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل را به شما شادباش گفته و در مبارزه مشترک برای آزادی و سوسیالیسم برایتان آرزوی پیروزی مینمائیم.

### روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

شرایط ناامن و مرگبار زندان های جمهوری اسلامی جانشان در خطر است. علاوه بر این، در همین چند روز اخیر تعداد دیگری از مردم ایران بازداشت و برخی از فعالان سیاسی و اجتماعی به حبس های سنگین محکوم شده اند. اگرچه آزادی کامل زندانیان سیاسی بدون سرنگونی جمهوری اسلامی مقدور نیست ولی تجربه نشان داده است با پیگیری مبارزاتی و حضور مداوم و گسترده خانواده ها و توده های مردم ایران در مقابل زندان ها می توان انعکاس صدای زندانیان در این سوی دیوار بود و برای آزادی شان پیکار کرد.

به رغم تبلیغات فریبکارانه ای که جمهوری اسلامی در مورد شروط آزادی زندانیان طرح کرده است، مستثنی از این که زندانیان آزاد شده به شروط آزادی تن داده باشند، آزادی همین تعداد از زندانیان سیاسی چه آنهایی که از چند سال قبل در زندان بودند و چه بازداشت شدگان اخیر که جملگی در پی گسترش مبارزات داخلی و بین المللی و بر بستر تشدید بحران در زندان ها صورت گرفته است، مایه خوشحالی خانواده ها و کل جامعه بوده است. با این همه، فراموش نکنیم، هنوز ده ها هزار نفر از بازداشت شدگان اخیر همچنان در زندان هستند، تعدادی در معرض اعدامند و بقیه نیز در

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1008 February 2023

## عفو "ده ها هزار" زندانی، فریب بزرگ جمهوری اسلامی

قضایی و دیگر عوامل اجرایی این طرح کذابی یکی پس از دیگری به دفعات اعلام کردند، کسانی که اظهار کنند پشیمان نیستند و یا تعهد کتبی ندهند "مشمول عفو قرار نمی‌گیرند." محسن اژه ای، رئیس آدمگش دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، علاوه بر شرط اظهار "ندامت و پشیمانی" زندانیان، اعلام کرد با کسانی که "دستشان به خون مردم آلوده است، افساد فی الارض دارند، توبه نکرده و محارب هستند، قاطعانه برخورد می‌کنیم." صادق رحیمی، معاون دستگاه قضایی نیز در تشریح چگونگی پیشبرد این سناریوی دغلکارانه اعلام کرد: "متهمان و محکومان" اعتراضات سراسری "پس از انزجار" از "اعمال گذشته خویش و تعهد

در صفحه ۱۰

شوند. علاوه بر این، کسانی که به "جاسوسی به نفع اجانب"، ارتباط مستقیم با عوامل سرویس های اطلاعاتی خارجی"، "قتل و جرح عمدی"، "تخریب و احراق عمده تاسیسات دولتی، نظامی و عمومی" و "عضویت و وابستگی" در گروه های "معاند و برانداز" متهم هستند نیز، از شمول پروژه عفو رژیم خارج هستند.

سیستم قضایی جمهوری اسلامی برای تکمیل این سناریوی فریبکارانه خود، دو شرط "اظهار ندامت و تعهد کتبی" را نیز به بند آخر معیار آزادی زندانیان اضافه کرده تا بدین وسیله به افکار عمومی القا کند همه کسانی که این روزها آزاد می‌شوند، جملگی با "اظهار ندامت" و دادن "تعهد کتبی" آزاد شده‌اند. برای جا انداختن پروژه اظهار ندامت زندانیان آزاد شده، دستگاه



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

## تلویزیون دکرسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

## اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به‌وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به‌وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال با عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: 3/2  
مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

**Alternative Shorai**

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی